

خودسازی!

؟ من فردی هستم که دوست دارم خودسازی ام اما دُچار
روز متری می شوم! گاهی حوصله نمازها را مستحبی را دارم گاهی نه! گاهی حتی
قرآن و دعا دارم گاهی نه!

مراحل خودسازی، ① عزم جدی، آدم باید تکلیفش رو با خود مشخص کنه

گر سر مقصود داری، موبه مو جوینده شو

گر وصال گنج خواهی، سربه سر و برانه باش

← جهت دل مون رو باید کاملاً خدای کرد و توره هدف دعائون بوی سیرک نده!

با دو قبله در ره معبود نتوان زد قدم

یا رضای دوست باید، یا هوای خوشتن

② عمل: اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اٰدَمَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

وَاَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ سن/ 70 و 71

خیز روزی که در این دُعر فنا مهیای با آدب باش که شخصیت مهیای آدب است

گر شبی در منزل جانانه مهانت کنده یا مُقیم کعبه شو یا ساکن بیخانه باش
یا مسلمان باش یا کافر، دوزنگی تا به کی؟ گول نعمت را مخور، مشغول صاحب خانه باش

توصیه حضرت امام (ره) به مجاهد رگی که می‌تواند نبرد کند.

سه
سم
مشارطه
مراقبه
محاسبه

مشارطه، شرط کنیم که در این روز فلان کار را انجام بدهم، یا فلان کار را انجام ندهم، از روزانه شروع کنیم که عمل به آن ساده‌تر است.

مراقبه، در تمام مدت معنی شده، متوجه و مراقب عمل مون باشیم.

اگر در دل مون افتاد که مخالفت کنیم فوری به خودمون گوشزد کنیم که این تفکر، شیطان است و مخالف رضایت خدا. اگر هر کسی یک پیغمبر درون داره به نام «و حیدان»!

محاسبه، حساب رسی کنی، حساب نفس را بکنیم.

اگر در شرط و عهد مون بایستد بودیم «عهداً و عهداً و بعداً له فی عنق» ...

خدا رو شکر کنیم و بر علممون **مواظب** کنیم تا ملکه شود و بر ایمان سهل و آسان گردیم.

- ب
- ✓ بعضی از سوره ها قرآن با یک سوگند شروع می‌شود: والعصر حاشی، مراغه، ترکیم نفس
 - ✓ بعضی با ۲ تا سوگند شروع می‌شود: والضحی / واللیل / اذا سخری
 - ✓ برخی با ۳ تا: والعادیات / ضبحا / فالمجربات / قدحا / فالمغیرات / صبحا
 - ✓ برخی با ۴ تا: والنین / والزیتون / وطور سینین / وهذا البلد الامین
 - ✓ برخی با ۵ تا: والنجم / ولیل / عشر / والشفع / والنوتر / واللیل / اذا سیر

✓ اما سوره در قرآن داریم که « تا قسم داره و اون هم سوره مبارکه « شمس » : بناها
« والشمس وضحاها والقرآن اذا تلاها والنهار اذا جلیها واللیل اذا غشیها والسماء اذا وضاءها »
 بعد از آنش سگ « قد افلح من زکیها » فقط کسی اهل استغاری است
 که اهل ترکیم باشد ...

سفیغ کاسف الغطاء / به سبب سپس رو بیدار میکنه نهم سب که بیوف
 حرم امیرالمؤمنین، زیارت بعد از انکار فرزندان و اهدار بدو نهایتاً به راضی
 مسیه و صیره دم حرم امیرالمؤمنین گذاری بودم بقیه ... (تا آخر)

✓ ان شیخ جعفر کاشف الغطاء میگردد شب که می‌سوزد / هنگام

خوابیدن ، محاسن کارها سو می‌کرد ، به اضلاع مناسب فکر می‌کرد

و گاهی به خودش می‌گفت : کویک بودی بهت می‌گفتند «جُعفر کاشف الغطاء»

بعد سدی «جعفر» ، سپس سدی شیخ جعفر ، و بعد «شیخ حجه الاسلام»

سین تا کبریه‌های معصیت خدا رو کنی؟! این نیت رو سکر نمی‌کنی؟!!

« أعيان السعير » ج ۴ / ص ۱۰۱

تو که (روغن ماسنور هر ... تا حک می‌کنی و عود می‌کنی)

← باد الاستیکاسو هر فصل یک دو بار حک می‌کنی

← ده بار استی رود اما حک میکنی ، که جوش نبارد یا نخ تندن!

← آیا این نفس نیاز به حک کردن ندارد؟! روغن تو حک کردی؟

ترضت نیبریده؟ تندن روی؟ گندن روی؟ جوش نیارودن؟ بخ توده؟ ...